



اسباحی در برف

(خاطرات کبیر سرباز اخراجی)

نویسنده:

اسماعیل بازوند

انتشارات طاقستان

۱۳۹۸

سرشناسه:

بازوند، اسماعیل، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور:

اشباحی در برف: (خاطرات کهنه سرباز اخراجی) / نویسنده اسماعیل بازوند.

مشخصات نشر:

کرمانشاه: طاق بستان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری:

۴۴۸ص.

شابک:

۹۷۸-۹۶۴-۵۱۰-۳۳۱-۴ ریا ۷۵۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع:

بازوند، اسماعیل، ۱۳۳۶ - - خاطرات

موضوع:

ایرانیان - - عراق - - خاطرات

موضوع:

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - خاطرات

رده بندی کتبی:

DSR ۱۶۲۹/ب ۲۱۵۳ ۱۳۹۸

رده بندی دیو:

۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی

۴۰۳۰ ۳۱



انتشارات طاق بستان

* عنوان: اشباحی در برف (خاطرات کهنه سرباز اخراجی)

* نویسنده: اسماعیل بازوند

* ناشر: طاق بستان

* حروف نگار و صفحه آرا: سارا سادات جابری

* نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸ - کرمانشاه

* شمارگان: ۱۰۰۰

* قطع: وزیری ۴۴۸ ص

* شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۰-۳۳۱-۴

* قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

کرمانشاه: خیابان آیت اله کاشانی (دبیراعظم) روبروی هتل بیستون

تلفن: ۰۸۳۳۷۲۹۱۷۳۲ فاکس: ۳۷۲۷۱۶۴۳

Gmail: Taghbostan.book@Gmail.com

فهرست مطالب

فصل اول «زندگی نامه»

۱		بغداد روزگار کودکی ام
۲۲		به قدرت رسیدن حزب بعث
۳۰		اخراج ایرانیان از خاک عراق
۴۰		اخراج از عراق و بازگشت و ورود به ایران
۴۶		زندگی در اردوگاه
۷۲		زندگی در کرمانشاه
۸۲		اوضاع اقتصادی و اجتماعی سیاسی آن دوران از دیدگاه خودم
۹۳		خاطره تلخ
۹۶		اعزام به خدمت سربازی
۱۰۴		اولین پرش با چتر از هواپیما

فصل دوم: «روزگار انقلاب اسلامی و دفاع مقدس»

۱۱۴		تحركات انقلابی مردم
۱۱۹		پیروزی انقلاب اسلامی
۱۲۵		آغاز توطئه های دشمن و شوق دفاع از وطن
۱۳۶		آغاز جنگ تحمیلی و شروع دفاع مقدس
۱۴۳		بهره برداری از پان عربیسم در راستای پیشبرد اهداف جنگ توسط حیدر
۱۴۷		صدام و حزب بعث عراق
۱۴۸		حمایت انقلاب اسلامی از مستضعفان لبنان
۱۵۳		اوضاع شهر کرمانشاه در روزهای اولیه جنگ تحمیلی
۱۵۸		اولین روز حضور در جبهه
۱۶۶		منطقه عملیاتی سرپل ذهاب
۱۷۳		حمله ی قدرت پنجم جهان
۱۷۹		تک درخت
۱۸۴		گروه سلمان
۱۸۷		خداحافظ جبهه

فصل سوم: خاطرات

۱۸۹	بازگشت به زندگی محال است... محال
۱۹۱	شهر قصر شیرین پس از اشغال
۱۹۹	عملیات اسیر ربایی
۲۰۵	شرکت در عملیات مسلم بن عقیل منطقه عملیاتی سومار
۲۰۷	سیستم ارتش صدام در زمان جنگ و صلح
۲۰۹	خدمت بدون پایان
۲۱۲	صدام و مین گذاری پشت سر سربازانش
۲۱۳	این گوشت ریخته
۲۱۴	اعدام های دسته جمعی در ملا عام
۲۱۵	ممنوعیت تخلیه و افعال کثرت ها و زخمی های عراقی تا پایان عملیات ها
۲۱۶	ارتش صدام در ۸ سال جنگ جمعی علیه جمهوری اسلامی ایران
۲۱۷	عدم حضور افراد در ارتش صدام
۲۱۹	سایر موارد در رابطه با ارتش صدام
۲۲۰	تنبيه های بدنی سربازان
۲۲۱	اعطای حقوق و درجه گذاری به سربازان
۲۲۱	خودزنی های عمدی جهت رهایی از خدمت
۲۲۲	عراقی هایی دارای تابعیت غیرعراقی و جنگ
۲۳۸	خاطرات
۲۳۸	پشت دروازه های فلسطین اشغالی
۲۴۳	پرواز به لبنان
۲۴۹	ورود به فرودگاه دمشق
۲۵۲	پادگان زندانی
۲۵۵	اعزام به لبنان «مقرالعین»
۲۶۰	یافت سیاسی و اجتماعی لبنان
۲۶۳	پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل حزب الله
۲۶۴	آمریکا و حملات همه جانبه علیه ایران

۲۶۵	مسیر پر پیچ و خم حزب ا... در لبنان.....
۲۷۰	احساسات شکننده و ترفندهای دشمن.....
۲۷۴	مقابله به مثل بچه های حزب الله.....
۲۷۵	ادامه مسیر حزب الله.....
۲۷۵	تأسیس حزب الله.....
۲۷۶	شهادت سید عباس موسوی.....
۲۷۶	شهادت سید هادی.....
۲۷۷	جنایت های پایام ناپذیر.....
۲۷۸	در جستجوی فرزندان.....
۲۹۵	دیدار غافلگیرانه.....
۲۹۶	اشباحی در برف.....
۳۰۶	شیوه های جنگی بعضی ها.....
۳۰۷	استطلاع العمیق.....
۳۱۷	گوش بُرها.....
۳۲۰	همکاری مستقیم و نزدیک رجوی و منافقین با صدام.....
۳۲۳	سندی دیگر.....
۳۲۵	عملیات فروغ جاویدان «مرصاد» و آخرین توطئه صدام.....
۳۲۶	مهمترین عوامل حمله صدام به کویت.....
۳۲۸	حمله ارتش صدام به کویت.....
۳۳۱	اولین اقدامات اجرایی قطعنامه ۵۹۸.....
۳۳۵	تبادل اجساد مطهر شهدا با کشته های عراق.....
۳۳۸	ارتش صدام همچنان در کویت.....
۳۴۲	تاکتیک و ترفند صدام = آیا صدام باهوش است؟.....
۳۴۴	عملیات طوفان صحرا - حمله ی نیروهای امریکایی به کویت و عراق.....
۳۵۰	عکس جنگی ممنوع الحاپ - ممنوع الطبع.....
۳۵۱	آخرین دست و پا زدن های صدام در جنگ دوم خلیج فارس.....
۳۵۵	توقف حملات امریکایی ها و رها کردن تعقیب صدام.....

۳۵۶	قیام های مردمی و انتفاضه شعبانیه.....
۳۵۹	سقوط چند ساعته خانقین بوسیله مردم و عکس العمل صدام.....
۳۶۰	ایران پناهگاه همه انسانها است.....
۳۶۲	سرکوب وحشیانه انتفاضه توسط صدام با چراغ سبز امریکا.....
۳۶۴	مدارهای عرضی ۳۲ و ۳۶ درجه ممنوعیت پرواز.....
۳۶۶	سکوت معنی دار امریکا و کشورهای غربی و سازمان های حقوق بشر.....
۳۶۶	مرگ تدریجی صدام توأم با امیدواری برای ماندن.....
۳۶۶	سقوط و زوال صدام و حزب بعث.....
۳۷۰	آغاز حمله رنگین نیروهای ائتلاف.....
۳۷۱	تلاش های وقفه جهت سقوط بدون درگیری بغداد.....
۳۷۴	خاطرات.....
۳۹۰	خاطره جابجایی اسرای عراقی.....
۴۰۲	عملیات مرصاد.....

پیش‌گفتار

به نام خداوند مهربان و حکیم، شکر و سپاس خدای عزوجل که توفیق داد تا در حد توان و طی مدت حدود دو سال در این کتاب مجموعه خاطرات تلخ و شیرین که بطور شفاف، حقیر با گوشت و پوست خود آنرا تجربه کردم را به این خوانندگان محترم به رشته تحریر در آورم.

در ابتدای این کتاب سعی کردم با زبان ساده نحوه شکل‌گیری شخصیت خودم را که در شرایط بسیار سخت در خارج از کشور، عزیزان ایران در قالب زندگینامه اشاره کنم که خالی از لطف نیست، زیرا مربوط به دوران کودکی و دهه‌ی سی و پنجاهی باشد، ورود به آن دوران و حس کردن وقایع ذکر شده باعث می‌شود که خواننده همراه با رازی به ماجراها را گام به گام به پیش ببرد و بطور قطع و یقین وقایع و اتفاقات ذکر شده در تاریخ میهن عزیزمان به اشکال مختلف به ثبت رسیده، اما در این کتاب وقایع و اتفاقات از منظر و دیدگاههای متراکمی ارائه شده که برای خواننده محترم تازگی دارد.

این وقایع که دارای ابعاد گوناگونی است شامل وقایع نادر، غمگین، خنده‌آور، عبرت‌آموز و... که بدون هرگونه حب و بغض و سیاه‌نمایی می‌باشد و صرفاً براساس وقایع اتفاق افتاده برای شخص خودم بیان شده و مربوط به سالهای دهه چهل و تا پایان جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران است.

همچنین در این کتاب خاطرات گوناگون و با اشکال و ابعاد مختلفی ارائه شده که کاملاً واقعی و بدون هرگونه داستان‌سرایی است و شخصیت‌های خاطرات واقعی هستند اما به علت عدم حضور ذهن اسامی بعضی از آنها که بسیار اندک هستند تغییر یافته است.

در میان خاطرات واقعی این کتاب، خاطره‌ای بسیار دردناک وجود دارد که اینجانب که در آن ایام حاضر و ناظر ماجرا بوده‌ام را تحت تأثیر قرار داده و تا به امروز از ذهن و یادم خارج نمی‌شود و هنوز به فکر آدم‌های آن خاطره و ماجرا هستم که سرنوشت آنها به کجا ختم شده است؟ که نام این خاطره تیتراول نام کتابم شد، بنام «اشباحی در برف»، و عنوان «کهنه سرباز» چندان بی ربط انتخاب نشده است، زیرا همانگونه که در متن کتاب بطور مفصل به آن اشاره کرده‌ام مربوط است به عمر طولانی خدمت نظامی اینجانب است که از دوران سربازی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و تا زمان بازنشستگی در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. ((گرچه هنوز هم در خدمت نظام مقدس ج.ا.ایران هستم و در زمان نیاز افتخار پوشیدن لباس مقدس رزم را در اولویت زندگی‌ام قرار می‌دهم.)) و بخشی از خاطرات کتاب در تشریح دوران خدمت سربازی و ماجراهای نحوه‌ی چترباز شدنم در تیپ ۵۵ هواپرد می‌باشد.

بخش پایانی کتاب هم بوضوح به خاطرات دوران ۸ سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس است که ماجراهای متفاوتی دارد که ناچاراً حتماً آنها را خواند. ضمناً واژه‌ی اخراجی را هم در بخش اول کتاب و چگونگی اخراجمان از عراق به تفصیل از آن یاد شده است.